

مجموعه آثار شیخ الاسلام علیه السلام (۷۷۸) در این کتاب به بیان روشنی و  
 دقت نظر در بیان مباحث فقهی و اصولی و عقاید اسلامی و نیز در بیان  
 و تفسیر آیات قرآنی و احادیث معتبره و نیز در بیان مباحث اخلاقی و  
 این همه در (۱) جلد است و در هر جلد ۲۰۰ صفحه است و در هر جلد  
 و در هر جلد ۲۰۰ صفحه است و در هر جلد ۲۰۰ صفحه است و در هر جلد  
 و در هر جلد ۲۰۰ صفحه است و در هر جلد ۲۰۰ صفحه است و در هر جلد



شماره یازدهم      اول قوس ۱۳۴۱      سال بیستم

بیرت و ابتکار و آثار  
 شیخ الاسلام خواجه عبدالله انصاری

# آثار شیخ الاسلام

ان آثارنا تدل علینا      فانظر و ابعثنا الی الآثار

چنانچه گفتم آثار خرا - به تقسیم اندک و کم و لیکن اجزای کتاب مذکور در بحث قرار میدهیم:

الف: آثار مستقیم وی:

جامع علوم انسانی

۱/ منازل السائرین الی الحق المبین:

از آثار مهم شیخ الاسلام است ، که در شرح منازل رهروان طریقت بر زبان  
 عربی بعد از صد میدان نگاشته شده ، و من در سطور گذشته راجع به ترقیب و

مضامین و مزایای آن بحث راندم

قدیمترین نسخه مکشوفه منازل السائرین در دو یا نامحفوظ است که بسال

۶۲۰ هـ نوشته شده . ولی سال تالیف این کتاب معلوم نیست ، و چنین نظر

می آید ، که از زمان قدیم نسخه های این کتاب دست خورده . و در نسخ خطی

اختلاف فراوانی روی داده و در حاجی خلیفه نیز باین مقصد اشارتی دارد (۱)

(۱) کشف الظنون ۲/ ۱۸۴۸

شیخ عبدالرزاق کاشانی (متوفی ۷۳۰هـ) در آخر شرح منازل السائرین می نویسد:  
 که نسخ این کتاب با هم مختلف و متباین بوده و دران خلط فراوان روی داده  
 بود. ولی من نسخه می ازین کتاب یافتم، که در سنه ۴۷۵هـ به محضر شیخ الاسلام  
 خوانده شده، و بران اجازت نامه می بخط خود شیخ نوشته است (۱)  
 ازین تصریح کاشانی پیداست که کتاب منازل پیش از ۴۷۵هـ تالیف شده بود،  
 که بعد از املا صد میدان باشد، و نمایندۀ دوره رشد و پختگی فکری خواجه  
 است که کاشانی دران باره گوید: «هو کتاب فائق عالی کل ما صنف فی هذه الطریقه»  
 ولی چون منازل مانند صد میدان خیلی فشرده و ملخص بود، در زما نهی بعد  
 علمای معروف بران هژده شرح را نوشته اند، که حاجی خلیفه نه تالی آنرا  
 به تفصیل آورده است. (۲)

علامه سبکی گوید: که شیخ تقی الدین ابن تبعیه این کتاب را می پسندید  
 و بر سرخی از موارد آن استقار هم داشت (۳) ولی این رای منصفانه ابن رجب  
 در باره منازل السائرین خواندنی است:

«وهو كثير الاشارة الى مقام الفناء في توحيد الربوبية و اضمحلال ما سوى الله  
 تعالى في الشهود لا في الوجود، فيقوم فيه انه يشير الى الاتحاد حتى انتحله  
 قوم من الاتحادية و عظموه لذلك و ذموا قوم من اهل السنة، و قد حوافيه بذلك  
 و قد برأه الله من الاتحاد و قد انتصر له شيخنا ابو عبد الله بن التيم في  
 كتاب الذي شرح فيه المنازل و بين ان حمل كلامه على قواعد الاتحاد  
 زور و باطل» (۴)

۲/ ذم الكلام و اهله،

شیخ الاسلام با کلامیان و اشعریان اشتراک نظر نداشت، و این کتاب را  
 در رد ایشان نوشت که از زمان قدیم در بین دانشمندان معروف بود. امام  
 قاجار الدین السبکی (متوفی ۱۲۷۸هـ) گوید: «که شیخ الاسلام درین کتاب به

(۱) طبقات الشافیه ۱۷۱/۳ (۲) کشف ۱۸۲۸/۲

(۳) طبقات الشافیه ۱۱۷/۳ (۴) طبقات الحنابلہ ۶۷/۲



مخالفت اشعریان مبالغه کرده است ، و علامه ذهبی برخی از مباحث این کتاب را پسندیده و از خواندن آنها مردم را باز میداشت (۱) که امام برهان الدین ابراهیم بن عمر بقاعی مفسر آنرا در قاهره سال ۸۴۶ هـ تنقیه کرد ، و این حجر در مجمع ازان ذکر می نماید . (۲)

یک نسخه قدیم ذم الکلام در موزه ریتایه تحت شماره ( Ado ) ۲۱۵۲ موجود است که بر سر ورق آن محمد بن محمد مالکی در سنه ۷۴۶ هـ را جمع به شیخ الاسلام یاد داشت بسیار مفیدی را نوشته است و ازان بر می آید . که نسخه را قبل ازین سال نوشته باشند و نزد علماء شهرتی داشت . (۳)

## ۳/ الفارق فی الصفات :

این کتاب عبری بود ، که حاجی خلیفه از ذکر آن خاموش است ، ولی اسماعیل پاشا آنرا در تألیفات شیخ می آورد (۴) علامه سبکی گوید : که این کتاب بر اثبات صفات خداوندی بحث میزند (۵) و ازین دو روایت پدیدینار است که کتاب علاوه می بود ، و طریقی که برخی از نویسندگان آنرا با اربعین خلط کرده اند ، درست بنظر نمی آید .

## ۴/ کتاب الاربعین :

این کتاب را علامه سبکی جداگانه ذکر کرده و گوید : که برخی از اهل بدعت آنرا الاربعون فی السنه گفته اند . شیخ الاسلام درین کتاب صفات خداوند را در پرتو احادیث نبوی شرح داده بود که بقریل سبکی ازان نوی تشبیه می آید (۶) .

چون حاجی خلیفه نیز همین کتابرا بنام اربعین می آورد (۷) بنابراین آنرا از الفارق فی الصفات علاوه می دانیم ، و با وجود وحدت موضوع هر یکی را بجای خود شناسیم ، که اسناد ستوری نیز به واله برو کلمن در پیر آنرا کتاب الاربعین فی الصفات نام برده است (۸)

(۱) طبقات الشافیه ۱۱۷/۳ (۲) کشف الظنون ۱ / ۸۲۸ (۳) کشف الظنون ۱ / ۵۶

(۴) ادبیات فارسی از ستوری در امکلیسی ۹۲۶۲ (۵) اسما المصنفین ۱ / ۴۵۲

(۶) ایضاً (۷) کشف الظنون ۱ / ۵۶ (۸) طبقات الشافیه ۱۱۷/۳

(۸) ادبیات فارسی ۱۲۴/۲

## ۵/ شرح لتعرف المذهب التصوف:

التعرف متن جامع مشهور تصوف است که آنرا ابوبکر محمد کلایبا دی بخاری (متوفی ۳۸۰ هـ) به عربی نوشته است که در تازی و فارسی شروح متعددی دارد، و بقول حاجی خلیفه شیخ الاسلام نیز برین کتاب شرح لطیفی را نوشته بود (۱) و اسماعیل پاشا نیز در جملة مؤلفات خواجه آفرام می بر (۲) ولی اکنون از وجود آن سراغی نداریم.

## ۶/ مناقب الامام احمد حنبل:

بقول حاجی خلیفه و اسماعیل پاشا شیخ الاسلام کتابی را در مناقب امام احمد نوشته بود (۳). که اکنون از وجود آن خبری نداریم. ولی چون بقول تمام مورخان، شیخ الاسلام یک کفر تابع استوار مذهب امام احمد حنبل بود، و طوریکه شاگردش محمد بن طاهر گفت: همواره مردم را بر سر منبر به این مذهب میخواند (۴) و السبکی نیز استواری وی را برین مذهب ذکر میکند (۵) بنابراین بعید نیست که شیخ الاسلام در مناقب این امام جلیل کتابی را نوشته باشد چون ذهبی و ابن رجب (۷۲۶-۸۷۹۵) نیز همین کتاب را در تالیفات، شیخ می آورند (۶). پس ما آنرا از آثار اصیل خواجه شمرده می توانیم.

## ۷/ تفسیر فی حدیث کل بدعة ضلالة:

این کتاب را حاجی خلیفه دیده بود، که بلین عبارات آغاز می شد: الحمد لله علی افضاله و مسائله الخ... (۷) و اسماعیل پاشا نیز آنرا بنام «خلاص فی شرح حدیث کل بدعة ضلالة» ذکر میکند (۸).

## ۸/ تفسیر الهیروی، تفسیر بزبان د. ویشان:

در باره تفسیر شیخ الاسلام قدیم ترن سند از نوشته یک کفر مخلص و ارادتمند شیخ یعنی ابوالفضل رشید الدین میزند. سال ۵۲۰ هـ موجود است که سی و نه سال بعد از رگذشت

(۱) کتب/۱/۴۲۰ (۲) اسما/۱/۴۵۲ (۳) کتب/۲/۱۸۳۶ و اسما/۱/۴۵۲

(۴) طبقات النافیه ۱۱۷/۳ (۵) یضاً (۶) طبقات الحنابلة ۱/۵۱ (۷) کتب/۱/۷۶۰

(۸) کتب/۱/۷۶۰ (۸) اسما/۱/۴۵۲

(۸) طبقات الحنابلة ۱/۵۱



استاد در مقدمه تفسیر بزرگ که ده جلدی کشف الاسرار خویش چنین می نویسد :

«من کتاب فرید عصر و وحید دهر شیخ الاسلام ابو اسماعیل عبد الله بن محمد بن علی الانصاری را در تفسیر قرآن و کشف معانی آن خواندم که در لفظ و معنی و تحقیق و زیبایی و بعد اعجاز رسیده بود، ولی چون در نهایت ایجاز و کوتاهی بود، مقصد آمو زندگان و رهروان اران بر آورده نمیشد، بنابراین به شرح و تفصیل آن پرداختم» (۱)

متن اصل تفسیر شیخ الاسلام اکنون در بین نیست ولی چهل سال بعد از وفاتش در دست میبندی بود، که سالویه کار خریدار در نوشتن تفسیر کشف الاسرار بران گذاشت. علامه سبوطی گوید : شیخ الاسلام عمری را به تفسیر کلام الهی گذرانیده و گفتی : که این تفسیر من ملقط از یک صد و هفتاد تفسیر دیگر است (۲) و نویسنده کتاب مجالس العشاق که یک نفر هر تفسیری بود، این کتاب شیخ را تفسیر بنیان درویشان گفته (۳) و اسماعیل یاشان نیز ذکر می آرد (۴)

این تفسیر شیخ الاسلام بزبان فارسی بود، زیرا این رجب گوید: «وله کتاب فی تفسیر القرآن بالفارسیة جامع» (۵)

یکی از دانشمندان معاصر شیخ الاسلام، ابو عبد الله حسین بن محمد الهروری الکتبی بر تاریخ هرات اسحاق القرباب ذیلی را نوشته بود، که این رجب بحواله آن چنین گوید: «شیخ الاسلام در تفسیر کلام الله آیتی بود، وی بعد از نفی ابن خود در سنه ۴۳۶ هـ در مجالس تذکیر به تفسیر آن آغاز کرد، و بار دوم در سنه ۴۳۷ هـ آنرا دوام داد، و تنها بر تفسیر آیه «ان الذین سبقت لهم منا الحسنی» سه صد و شصت مجلس گفت. ولی این تفسیر در ایام زندگانی وی تا آیه ۶۸- ورة ۳۸ رسید و تکمیل نشد» (۶)

- 
- (۱) مقدمه کشف الاسرار، ج ۱  
 (۲) این کتاب به سلطان حسین بایقرا نیز منسوبست، ص ۵۶  
 (۳) ایضاح الکنون ۳۱۰/۱ و اسما ۵۵۲/۱  
 (۴) طبقات الحنابلہ ۵۱/۱ (۵) ایضاً ۵۸/۱  
 (۶) طبقات الحنابلہ ۵۱/۱

عبدالقادر الر هاری هینو یسد: کسی از شیخ الا سلام تفسیر آیتی را پرسید، وی در شرح لغوی همان آیت، چهارصد بیت از اشعار شعرای دوره جامعیت ایراد داشت، که در هر یکی همان لغت مذکور بود (۱)  
 ۹ / رساله بزبان عربی:

بقول استاد ریتر در کتب خانة کوچک بغداد به نمره ۵۱۰ یک رساله عربی شیخ الاسلام موجود است که موضوع آن اسناد موجودات به خالق باشد:

ANTHROPOMORPHIC TRACT

وریتر در مجله اسلام و فیلر لوجیک (ج ۲) این رساله را معرفی کرده است (۲)  
 ۱۰ / قصیده فی الاعتقاد:

السبکی درباره این قصیده چنین گوید: ول قصیده فی الاعتقاد نسی ۴ عن العظیم فی هذا المعنی (۳) و این تعبیر السبکی بر می آید، که شیخ الاسلام درین قصیده شقایق خود را به نحوی گفته بود، که دیگران آنرا از غزایم شهرده اند.

۱۱ / مناجات یا الهی نامه یا ملفوظات:

مناجاتها و الهی نامه های متعدد درین اواخر بنام شیخ الاسلام منسوب و طبع شده اند، مگر چنین بنظر می آید، که خود شیخ الاسلام مجموعه ای بنام مناجات یا الهی نامه نوشته ود. زیرا حاجی خلیفه که در الهی نامه را بنام سنائی و عطار ذکر کند (۴) از وجود الهی نامه یا مناجات جدا گانه بنام شیخ الاسلام خبری ندارد. اکثر الهی نامه های متأخر مجعول اند، مثلاً در سال ۱۹۲۷ در دکن کتاب کوچکی بنام مناجات و نصایح «واحة عبدالله انصاری با طبع نفیس و خط زیبا نشر شده، که در آن اشعار برخی از شعرای متأخر که در عصر شیخ الاسلام هنوز بد نیا نیامده بودند بنظر می آید مثلاً در مناجات (ص ۵۹) این ابیات مخزن الاسرار نظامی دیده می شود:

(۱) طبقات الحنابلة ۱ ر ۵۹ (۲) ادبیات فارسی ۲ ر ۹۲۴ - از ستوری (۳)

(۳) طبقات الشافیه ۳ ر ۱۱۷ (۴) کشفه ۱ ر ۱۶۱ / ۱۱۶۱ انصاری (۵)



عیب کسان منکر و احسان خویش دیده فرو کش بگر بیان خویش  
 آینه آرزو که گیری بدست خود شکن آرزو مشو خود پرست  
 که با وجود چنین اختلاطهای مضحک، تمام مناجاتها و الهی نامه ها را با قید  
 احتیاط خواند، و آنچه سندی قدیم ندارد، باستان خواجه منسوب نباید داشت.  
 اما اینکه شیخ الاسلام یقیناً مناجاتهای داشته که به کلمه الهی آغاز می یافت  
 مانند کهن تر و استوارتر داریم. باین معنی که قاضی صاعد بن سیار هروی،  
 دانشمند معاصر شیخ الاسلام نیز امالیء داشت که ابن رجب آنرا دیده بود، و وی  
 بحواله امالی این گفته قاضی صاعد را نقل نماید:

«سمعت شیخ الاسلام الانصاری يقول اللهم اعصمنا من مغفرة . فقد ضاقت  
 بنا طريق العذرة» (۱)

این قاضی صاعد بقول بیهقی ملا سلطان مسعود غزنوی و نویسنده مختصر صاعدی  
 بود (۲) که بقول علامه ذهبی در (۵۲۰) وفات یافت چون وی معاصر شیخ الاسلام  
 بوده و احادیث را مستقیماً از شنیده بود، پس گفته وی در و جرد و شهرت مناجاتها  
 سند قدیمتر و استوارتر است *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

ضبط قدیم و اصل مناجاتها در دو کتاب معاصر آن شیخ الاسلام بدست میاید  
 نخست طبقات الصوفیه که دران شاگردی از دبستان انصاری بسازا احوال و گفتارها  
 و مناجاتهای استاد را فراهم آورده. و دیگر ده جلد کشف الاسرار از میبذی که  
 دران نیز صد هارشته ازین گوهرهای گرانبها خوش خخته نه نگهداری شده و این  
 دو کتاب هستند و قدیم، اینک در دسترس از باب ذوق بصورت مطبوع موجود است  
 پس آنچه در مناجاتها و الهی نامه های متأخر و مخلوط و احیاناً مجعول بناها صاری  
 ساخته و افته اند، و یا تصحیف و تبدیل کرده اند، اگر چیزی موافق این دو متن  
 اصل و کهن باشد، آنرا مال انصاری پنداریم، الامور نأمل خواهد بود.





آریانا (۹)

۱۳ / طبقات الصوفیه:

از آثار مهم شیخ الاسلام که به لهجه هروری بهار سیده طبقات الصوفیه اوست، که وی در مجالس تذکیر خود در هرات طبقات الصوفیه صوفی و مفسر و محدث معروف خراسان ابو عبدالرحمن محمد بن حسین سلمی نشاپوری (۳۲۵-۵۱۲هـ) را که بزبان تازیست ترجمه و تفسیر و تهریح میگرد، و اذواق و مواجید خود را بران میافزود.

این تقاریر و گفتارهای شیخ را یکی از شاگردانش که نام وی بما معلوم نیست بعد از مرگ اسناد یعنی ۸۴۸۱ بصورت غیر مرتبی در لهجه هروری گرد آورد، که طبقات الصوفیه کنونی باشد، و اینک متن مطبوع آن از روی سه نسخه خطی با حواشی و نسخه بدل و تعالیق و فهرس بشما تقدیم است.

طبقات الصوفیه آئینه روشن افکار و اذواق خواجه است که از نظر ادب نیز بها و ارزش خاصی دارد، و این رجب آنرا به عبارت مجالس التذکیر بالفارسیه حسنة می سناید (۱)

چون درین باره در مقدمه پیش تعالیق کتاب به تفصیل وارد شده ام، و اینک در دستوار س ارباب ذوق است، بنا بران زیاده ازین چیزی نمیگویم.

۴/۱۴ صد میدان:

در ترتیب مدارج و مقامات سالکان و تعیین تعریفهای آن غالباً کتاب مستوفای نخستینی است، که در تاریخ تصوف اسلامی جنبه ابتکاری دارد، و چنانچه شرح داده شد مشتمل است بر تفصیل صد میدان تصوف که هر میدان دارای ده مرتبه است، که جمله هزار میدان شود.

نسخه های خطی این کتاب خیلی کم اند، و حتی حاجی خلیفه نیز از ذکر آن خاموش است، ولی در سال ۱۹۵۴م. بهمت دانشمند س، دی بور کی از روی دو نسخه خطی استانبول و پاریس در مجله موسسه شرق شناسی فرانسوی از قاهره انتشار یافت.

(۱) طبقات الحنا بله ۱/۵۰

۳۲۲ طبقات الصوفیه (۱)

۱۸۳۱ طبقات الصوفیه (۲)

۱۸۵۰ طبقات الصوفیه (۳)

نویسندۀ این کتاب نیز بما معلوم نیست ، ولی در مقدمهٔ نسخهٔ خطی کتب خانۀ شهید علی استانبول و تراجم مجالس عقیده ، نوشته شده که در محرم ۴۴۸ هـ به املائی آن آغاز شده بود

این نسخه در ۱۵ ذی‌قعدة ۹۰۴ هـ نوشته شده و گوید : که شیخ الاسلام این صد میدان را در تفسیر آیهٔ شریفهٔ « قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله (قرآن: ۳۱/۳) » تشریح و املا کرده بود ، که جنبهٔ ادبی این کتاب نیز ارزشی دارد ، و به نثر پخته و وجیز املا شده ، که عصر املائی آن پیش از تألیف منازل السائرین عربی است . و اینک با طبع و ترتیب و تحشیهٔ جدید من تقدیم میگردد ، که دربارهٔ مزایا و خصایص آن در مقدمه به تفصیل سخن رفته است .

۳/۱۵ مقامات :

نویسندهٔ طبقات الصوفیه باین نام کتابی از آثار خواجه دردست داشت ، که دربارهٔ مقامات رأی شیخ الاسلام را در طبقات الصوفیه ازان نوشت (۱) حاجی خلیفه آنرا ندیده ولی اسما عیل پاشا بنام علل المقامات ذکر کرده است (۲) و ابن رجب نیز ازان نام می برد .

نویسنده و جامع این کتاب در عربی یک نفر شاگرد رشید و جوان خواجه ، امام صالح ابو الفتح عبد الملك بن عبد الله بن ابی سهل هروی کروی است ، که بقول اما ذهبی گفتارهای شیخ را در کمال دقت و صداقت می نوشت . که در (۴۶۲ هـ) در کروه هرات زاده و در (۵۴۸ هـ) درگذشته بود وی در بغداد و مکه به دانش علم حدیث شهرت داشته و نسخه‌های جامع ترمذی را بخط خود نوشته و وقف نموده بود (۳)

حصهٔ کوچکی که از علل المقامات باقی مانده در سنه ۱۹۵۹ فقط در پنج صفحه بزبان تازی از روی نسخه خطی ویانا بهمت س ، دی بورکی با مقدمه و ترجمهٔ فرانسوی نشر شد ، و این کتاب را ابن رجب نیز بنام علل المقامات از مصنفات خواجه می داند . (۴)

(۱) طبقات الصوفیه ۲۱۶ (۲) اسما ۴۵۲/۱

(۳) طبقات الحنابلہ ۷۵/۱ و شذرات الذهب ۱۴۸/۴ (۵) طبقات الحنابلہ ۵۱/۱



۴/۱۶ مختصر فی آداب الصوفیه ولسا لکین لظریقا لحق:

این رساله بفارسی فصیح در بازده صفحه با ترجمه و مقدمه فرانسوی سال ۱۹۶۰ بهمت دانشمند محترم سیدی بوری کی از طرف مؤسسه شرق شناسی فرانسه در قاهره از روی نسخه خطی کتب خانة شهید علی استانبول طبع و نشر شد که همین نسخه در ربیع الاول سال ۸۷۷۰ بتصرف عبدالله بن احمد بود، و معلوم است که پیش ازین سال کتبات شده. این رساله را نیز ازاد تمندی از مریدان شیخ الاسلام درباره هفت ادب ظاهری صوفیان از گفته های شیخ الاسلام املا کرده و چنانکه گفتیم عناصرا داب ظاهری و اهمیت آنرا در مکتب اصوف شیخ الاسلام نمایندگی میکند، درین رساله آداب اول خرقه پوشیدن، و دوم در نشستن و خاستن و سیم در رفتن خانگاه، و چهارم در طعام خوردن، و پنجم در رفتن بدعوتهای و ششم در سماع شنیدن، و هفتم در سفرها کردن است. و در آخر آن گوید: و اینست آداب ظاهری که مریدان بدایت ارادت بکار باید داشت، و آنرا رعایت باید کرد، تا شایسته صحبت باشد. اما آداب باطن خودکاری دیگر است و آنرا ابواب بسیارست و مقامات و منازل بی شمار... هر که خواهد که آن آداب بدانند باید که منازل لسا لکین کی شیخ الاسلام عبد الله انصاری رحمه الله علیه ساخت است بخوانند و بدانند و بشناسند. (۱)

ج: آثار منسوب بشیخ الاسلام

بنام شیخ الاسلام آثار فراوان خطی و چاپی موجود اند، که بایستی با نظر انتقادی و تحلیلی تجزیه شوند، و برخی از کتب مجعول را بدوون تحقیق و بصیرت، بآستان بلند شیخ منسوب نسازیم، زیرا درین گونه آثار چیزهای مبتذل و نهایت سطحی موجودند، که انتساب آن به شیخ الاسلام، توهمین مقام علمی و عرفانی اوست. آثار منسوب به اینها اند:

(۱) خاتمة آداب الصوفیه

۱۷/۱۹ و او این اشعار را در کتاب «تذکره شاعران ایران» درج کرده است.

حاجی خلیفه گوید: که شیخ الاسلام سه دیوان فارسی دارد، (۱) ولی ظاهر است که این دیوان و بنامش را خود حاجی خلیفه ندیده بود، و در ته طوریکه عادت اوست، کلمات آغاز آنرا می نوشت. شیخ الاسلام در عربی قصائد و اشعاری دارد، که نسبت آن بشیخ باسناد قدیمه ثابت است، که باخرزی در «میه القصد» نیز این رجب نمونه های آنرا داده اند. و این رجب آگوید: «وله کلام فی التصوف و السلوک دقیق» (۲) در طبقات الصوفیه و نفعات جامی نیز با اشعار عربی آورده می شود. ولی این اشعار را هیچکسی، و در دیوان مرتب ندیده است، و از وجود دیوان اشعار نازی شیخ خبری نداریم. اما در فارسی اشعار زیادی را در طول این سه و چهار قرن اخیر باو منسوب داشته اند، که اگر به نظر انتقادی دیده شود، آثار خردی است و فکر از وجنات آن آشکار است، و بنا بر این انتساب آن به خواجه محل تأمل است. اما اینکه شیخ اسلام اصلاً برخی اشعار فارسی داشته، درین باره سندی کهن تو داریم، باین معنی که عبدالقادر الرهاوی نیم قرن بعد از درگذشت شیخ الاسلام سفری بهرات نمود، و در آن شهر بابا زهرا اندکان انصاری را مشهور گشت و کتاب ضخیمی را بنام «المادح و المدوح» در مناقب شیخ نوشت، و همین کتاب را که ابن رجب دیده بود، وی بحواله آن گوید: «شاه منسوب است که در آن کتاب» و عبدالقادر بدو واسطه از همدمان شیخ الاسلام چند بیت فارسی او را شنیده بود که ترجمه آنرا دو عربی نوشته است، (۳) و درین روایت کهن پدید می آید، که شیخ الاسلام حتماً اشعار فارسی داشته است. در تذکره کبیر قدیم فارسی مانند «باب الالباب» یا «دولت شاه ذکر وی در شاعران فارسی نیامده، و نیز در امالی او مانند طبقات الصوفیه و صدمیدان و آداب الصوفیه و دیگر

۱) کشف / ۱ / ۲۹۹      ۲) طبقات الحنابله / ۱ / ۶۷      ۳) طبقات الحنابله / ۲ / ۵۲

(۱) تذکره الصوفیه / ۱ / ۱۸۷  
 (۲) طبقات الحنابله / ۱ / ۶۷  
 (۳) طبقات الحنابله / ۲ / ۵۲



کتاب وی یک بیت فارسی هم بنام او موجود نیست، و چنین بنظر می آید، که شیخ الاسلام آوردن اشعار فارسی را در مباحث جدی عادت نداشت. و الا اگر چنین دأبی داشتی، حتماً شعری بنام وی درین آثار وارد شدی.

دلیل دوم اینست: که در کشف الاسرار میبندی مکرراً اقاویل و گفتارهای شیخ الاسلام بنام پیر طریقت و شیخ الاسلام و غیره نقل می شود، ولی اشعار فارسی را اکثر آژسنائی می آورد، و با وجودیکه در اواخر گفتارهای شیخ برخی اشعار آمده، باز هم همان اشعار را صراحتاً بنام وی نمی نویسد، بنابراین در انتساب همان اشعاری که در اواخر مناجات ها و گفته های شیخ الاسلام در کشف الاسرار آمده و ظاهراً گفته خود وی بنظر می آید، نیز در برخی موارد شك و تردید دست میدهد.

مثلاً در جلد هفتم بر صفحه ۱۲۷ کشف الاسرار مناجاتی را از شیخ الاسلام می بینیم که بلا فاصله رباعی در آخر آن گنجانیده شده، و خواننده تصور میکند، که این رباعی باید حتماً از خواجه باشد، ولی چنین نیست.

میبندی می نویسد: پیر طریقت گفت: کسی که او زندگی وی بود، از ولحظتی و حرکتی بس نیاید مگر همه درو مستغرق بود:

غم کی خورد آنکه شادمانیش توئی! با کی مرد او که زندگانش توئی!  
در نسیه آن جهان کجا دل بندد؟ آنکس که بنقد این جهانیش توئی!

که همین رباعی در دیوان سنایی و تمام نسخه های مطبوع و خطی اش عیناً موجود است (۱).

در چنین حال تمام اشعاری که بدون تصریح نام گوینده آن در اواخر مناجاتها و اقاویل شیخ الحاق شده مورد تأمل است، و تا وقتی که اسناد قدیم بدست نیاید، در انتساب آن احتیاط باید کرد.

اما آنچه در منسوبات جدید اشعاری را به شیخ انتساب داده اند، که از وجنات آن جدید و ث سبک و تر کیمب و ادا آشکار است، و مخصوصاً غزل هائی که

(۱) دیوان سنایی ص ۶۱۴ طبع مظهر مصفا، تهران ۱۳۳۶

درمقاطع آن تخلص پیرهری و پیرانصار با انصاری و غیره موجود است، نه از روی سبک و لب و لهجه و نه از ناحیه سویه فکری با روایات ادبی عصر خواجه سر میخورند و فقط تذکره نگاران متأخر مانند آذر و هدایت و غیره بدون تحقیق آنرا بنام وی نوشته اند، و یا نویسند گمانی که کتب معمول را مانند گنج نامه و کنز السالکین در قرون مابعد بنامش جعل میگردند، این گونه اشعار سخیف را که اکثر آن از داشتن اوزان عروضی نیز عاری اند، برای گرمی بازار خود، در آن کتابها ساخته و پرداخته اند.

این گونه اشعار معمول متأسفانه برخی از مستشرقان نو کار و غیر دقیق را نیز به اشتباه انداخت. چنانچه یک مجموعه بیست و نه غزل را ژو کو فسکی در سنه ۱۸۹۵. در یک مجله پترسبرگ از روی سه نسخه کتاب خطی که بنام منازل السائرین شناخته شده بود نشر داد، و همان غزلیات را ابو گدانوف با ترجمه انگلیسی در سنه ۱۹۳۹. در مجله جمعیت آسیائی بنگال بنام (قرانهای پیرهرات) چاپ کرد (۱) که اکثر آن در کتاب معمول کنز السالکین و زاد العارفین موجود اند.

چقدر مضحك است: منازل السائرین ژو کو فسکی و وجود اشعار فارسی درین کتاب اصیل عربی!

۱۸/۳ رباعیات:

در رسایل مطبوع برخی از رباعیات را هم به شیخ الاسلام منسوب داشته اند، که صحت یا سقم آن مورد تأمل است. زیرا درین رباعیات چهار بیتی هائی موجود است که آنرا در رباعیات ابوسعید ابوالخیر و عمر خیام و مولا ناجلال الدین بلخی هم می بینیم، و به شکل توان گفت که این رباعی مشترك و آوازه از کیست؟ مثلاً این رباعی را باستناد رسایل مجعوله مر حوم ملک شاعر ۴۱ بهار و دانشمند صفا هر دو در نمونه اشعارش نقل کرده اند:

هر دل که طواف کرد گرد در عشق هم خسته شود در آخر از خنجر عشق  
این نکته نوشته اند بر دفتر عشق سردوست ندارد، آنکه دارد سر عشق (۲)



که عین همین رباعی در کتاب رباعیات مولانا جلال بلخی طبع اصمهان موجود است (۱) در چنین حال تا وقتی که نسخ قدیم و موثوق این رباعیات بنام شیخ بدست نیابند انتساب این رباعیات بشیخ الاسلام مورد تأمل خواهد بود.

۳۱۹ گنج نامه: کتاب بسیار مبتذل و عامیانه می که بشیخ الاسلام نسبت داده اند. و بسال ۱۳۲۸ هـ در لاهور از طرف ملا جان محمد قند هاری سوداگر کتب برای گرمی بازار طبع شده است (۲).

عبارات، جملات و مباحث کتاب آنقدر محدث و مبتذل اند، که انتساب آن به شیخ مشکل است، درین کتاب اشعار گویند گاهی را گنجانیده اند که قرن بعد از شیخ الاسلام زندگی داشته اند، مثلاً در صفحه ۱۵۸ این شعر سعدی از بوستان در آن آمده، که بر حدوث و جعل کتاب دالست:

فرماندگان را درون شاد کن ز روز فرماندگی یاد کن... الخ

۴/۴۰ کنز السالکین و زاد العارفين:

باین نام کتابی در کتب خانه های تورکیه و هندوستان، و اروپا موجود است، که آنرا تالیف شیخ الاسلام می شمارند، و حصص منثور و منظومی دارد، و چنانچه گفتیم ژر کوفسکی بیست غزل را ازین کتاب برداشته و نشر کرده بود، ولی بنام منازل السائرین.

کنز السالکین نیز با همین محتویات و مباحث کنونی خود معمول بنظرمی آید که حاجی خلیفه و اسماعیل پاشا هر دو از ذکر آن خاموش اند. ولی حاجی خلیفه کتابی را بنام زاد العارفين ذکر میکند، که نام مولف آنرا ننوشته است، و ازین هم پدیدار است که حاجی خلیفه آنرا بنام شیخ الاسلام نمی شناخت، و انتساب آن بعد است.

چنانچه گفتیم درین کتاب منظومات سست و سخیفی که برخی ازان وزن عروضی هم ندارد، و از حلیه معانی و مطالب عالی عاری است، و با مقام تمکن و پختگی

فکر می‌نمایند، با وبسته‌اند، که ریو هم این کتاب را منسوب دانسته است (۱)  
ولی جای تعجب است که فصولی از این کتاب درین اواخر هم بنام شیخ الاسلام  
در مجله شرقیات استانبول نشر می‌شود! (۲)

۲۱ / ۵ انس المریدین و شمس المجالس : در مجله جمعیت آسیائی مضمون  
حاجی خلیفه این کتاب را که قصه یوسف و زلیخا باشد، از آثار شیخ الاسلام  
شمرده و اسماعیل پاشا نیز آنرا ضبط کرده است (۳). يك نسخه خطی این کتاب  
به شماره ۱۷۲۸ و نام انیس المریدین در اندیا آفس موجود است  
که سنه کتابت آن ۱۰۱۳ هـ در برهان پور هند است. (۴)

و ازین برمی‌آید، که پیش ازین سال این کتاب را به شیخ منسوب داشته‌اند.  
ر: لیوی R. Levy بسال ۱۹۲۹ م در مجله جمعیت آسیائی مضمون  
را نوشت، که انتساب این کتاب را به شیخ الاسلام رد کرد، و آنرا از  
آثار معمول پنداشت. (۵)

۲۲ / ۶ نصیحت نظام الملك یا نصیحت نامه وزیر :  
باین نام رساله‌ئی را بر تلس در سال ۱۹۲۶ م در مجله کادیمی لنین گرادنشر کرد  
که نسخ خطی آن بنام شیخ الاسلام در برخی از کتب خانه‌ها موجود بوده ولی کهن نیستند.  
برخی از نویسندگان کتابی را بنام تحفة الوزراء باو منسوب داشته‌اند، که غالباً  
همین کتاب بنام مغلوط تحفة انوار در سال ۱۹۲۶ م نولکشور هند چاپ کرده‌است.  
اما چون نظام الملك را بقول ابن رجب با شیخ الاسلام روا بط حسنه‌ئی  
بوده، امکان دارد که چنین نصیحت نامه‌ئی را باو نوشته باشد، ولی تصریحی  
دران راه در منابع موثوق بنظر نیامده، و نه نسخه کهن تری را از آن سراغ داریم.

(۱) فهرست ریو ۷۳۸ (۲) مجموعه شرقیات استانبول ۱۹۵۹

(۳) کشف ۱/۵۱ و اسماء ۱/۴۵۲ (۴) هرمان اینتی فهرست مخطوطات اندیا آفس

(۵) ادبیات فارسی از سنوری ۲/۱۲۰۸



۲۳/۷- سرار نامه یا کتاب اسرار :  
در موزه بریتانیا کتابی از شیخ سلیمان هروی انصاری بنام مقالات العارفین  
و مرآة السالکین موجود است که در آن مطالبی را از کتب صوفیان  
انتخاب کرده است ، و يك باب آن عبارت است از اسرار نامه که بزعم  
جامع این کتاب تالیف شیخ الاسلام بوده است . چون درین کتاب اقتباساتی  
از سلسله الذهب مولانا جامی نیز موجود است (۱) . بنابراین تألیف و ترتیب  
آنرا بعد از عصر جامی یعنی پس از ۹۰۰ هـ دانیم ، که قدمت و اصالت  
اسرار نامه از آن ثابت نمی آید .

ولی چون این مقالات العارفین خطی است ، باید سبک انشا و مضامین اسرار نامه  
را بنظر انتقادی دید ، که بعد از آن درباره اصالت آن حکم توان کرد ، اما پیش  
ازین تحقیق علی العجالة آنرا در آثار منسوبه باید شمر د .  
۲۴/۸ رسایل :

در شیراز مجموعه‌ئی بنام رسایل خواجه عبدالله انصاری در سال ۱۳۵۱ ق  
طبع شده که یکی از انوار التحقیق نامدار د ، و در آن علی بن طیفور  
بسطامی برخی از مقالات و مناجاتها و ملفوظات منسوب بشیخ الاسلام  
را گرد آورده است ، که حاجی خلیفه چنین کتابی را بنام خواجه نمی شناسد ،  
اما اسماعیل پاشا آنرا در آثار خواجه نام می برد ، (۲) و ازین هم پدیدار است که انتساب  
انوار التحقیق بنام خواجه در از منة بعدتر است ، و چون مؤلف کتاب نام خود  
را تصریح کرده ، پس آنرا یقیناً کتابی منسوب پنداریم .

این علی بن طیفور بسطامی در دکن معاصر عبدالله قطب شاه (۱۰۲۰-۱۰۸۳ هـ)  
بود ، و دو کتاب دیگر خود اخلاق حسنی (نسخه خطی دانشگاه تهران ۲۸۰۵)  
و تحفة قطب شاهی (نسخه بادلیان ۱۴۷۱) را را بنام آن شاه نوشته بود ، و  
انوار التحقیق او نیز محصول همین قرن یازدهم هجری و محیط هند است .

(۱) فهرست ریو ۲/۷۷۴ (۲) ایضاح ۱/۱۳۸ و اسماء ۱/۴۵۲

درین مجموعه مواعظ و رباعیات ۲۲ صفحه و مقامات ۱۶ صفحه نیز بنام انصاری طبع شده که برای تحقیق اصالت آن باید در امالی و کتب اصیل انصاری دید، و آنچه دران منابع بدست آید اصیل والا مجعول خواهد بود.

۹۱۲۵ مجموعه دیگر رسایل :

در سنه ۱۳۱۹ ش اداره ارمغان تهران مجموعه دیگری از رسایل بنام خواجه نشر کرد که دران هشت رساله به تفصیل ذیل موجود است :

۱- دل و جان ۲- واردات ۳- کنز السالکین ۴- قلندر نامه

۵- هفت حصار ۶- محبت نامه ۷- مقولات ۸- الهی نامه

اکثر این رسایل به حاجی خلیفه نیز معلوم نبود. حتی وی واردات شیخ بدرالدین متوفی ۸۲۳ هـ (۱) و محبت نامه حقیقی (۲) را ذکر میکند، و بنام شیخ الاسلام چنین چیزی دانمی آورد.

اگرچه این رسائل را اکثر نویسندگان و حتی محققینی مانند بهار ازان خواجه شمرده اند (۳). ولی من تمام آنها بنظر احتیاط و شك و تردید می نگرم، و تا وقتی که در تحت روشنی اسناد ثابت، نقیص و انتقاد نشوند، آنها را آثار اصیل خواجه نمیتوان شمرد. اما البته دران اقتباساتی از افکار و اقوال خواجه خواهد بود.

۱۰/۳۶ برده حجاب

در کتب خانه شهید عالی استانبول مجموعه خطی آثار خواجه موجود است، که در سنه ۹۰۴ هـ کتابت شده و دران رسائل ذیل را می بینیم :

۱- صد میدان ۲- واردات ۳- کنز السالکین ۴- الهی نامه

۵- سوال دل از جان و جواب ۶- قلندر نامه ۷- محبت نامه

که تمام این رسایل را در مجموعه مطبوع ارمغان می شناسیم، و تنها صد میدان آن اصلتی دارد که قبلاً شرح دادم.

(۲) کشف ۱۶۱۱/۲

(۱) کشف ۱۹۹۰/۲

(۳) سبک شناسی ۲۴۰/۲ و تاریخ ادبیات صفا ۱۱۲/۲ و تالیقات چهار مقاله ۴۵۸



امادرین مجموعه رساله دیگری بنام (پرده حجاب حقیقت ایمان) نیز موجود است که در مجموعه‌ئی بنام رسایل خواجه عبدالله انصاری در پوهنتون بمبئی نیز دیده می‌شود.

از وجود این مجموعه خطی يك نکته روشن می‌آید، که پیش از ۹۰۴ هـ اقتساب این رسایل بنام خواجه شهرت داشت، ولی تمام آن از نظر افتقاد جدید درخور تحقیق و تأمل اند.

۱۱/۲۷ مجموعه دیگر رسایل خطی خواجه هروری در کتب خانه مراد ملا استانبول تحت نمره ۱۲۹۶ موجود است که در آن (۱) رساله مفصله تصوف در چهل و دو فصل و (۲) صدمیدان و (۳) رساله فی المعارف و (۴) رساله در سخنان حکمت و پند و مناجات و (۵) رساله در چگونگی خلق و (۶) مناجاته و فوائده و (۷) من کلامه قدس سره و (۸) من کلماته القدر سیه و (۹) من مقالاته فی الموعظة نظام الملك طوسی و (۱۰) بدانکه زندگانی بر مرگ وقتی ترجیح دارد که این دوازده خصلت نگاه دارد. (۱۱) ومن مقولاته رضی الله عنه و (۱۲) ومن انفاسه الشریفه فی النصیحه و (۱۳) زاد العارفين و (۱۴) قلندر نامه و (۱۵) کنز السالکین در آن شامل اند.

در خاتمه باید گفت که اشعه افکار خواجه در تمام این آثار منسوبه در برخی از موارد دیده می‌شود، که این گفته حضرت جامی در آن باره راست و مطابق می‌افتد:

«خورشید یکی و نور او هر طر فست»  
عبدالحی حبیبی